

یادداشت

تدبیر فوری در برابر ایده پیروزی بدون جنگ، امارات»

ابوالفضل فاتح
فعال سیاسی

نگاهی که هم به پیمانی قدرت های جهان و ادبیات عجیب و غیر حقوقی اخیر کشورهای اروپایی و حتی همراهی روسیه و چین نگرانی ها را دو چندان می سازد. بعید نیست، توطئه ها و یا پیش بینی هایی ورای استفاده از اتهام بزرگ «اشغال» وجود داشته باشد. یکی از مهم ترین تغییرات در ۵۳ سال اخیر آن است که امارات اقدام به گسترش روابط سیاسی و اقتصادی خود با همه جهان و در بالاترین سطوح کرده، «هاب اقتصادی» منطقه شده و البته ולخرجی های فراوانی نیز صورت داده تا اید «پیروزی بدون جنگ» را در خصوص جزایر به پیش ببرد. امارات همزمان، در پیوند با منافع قدرت های منطقه ای و قرا منطقه ای، مطامع آنان را نیز برای تصفیه حساب با تهران از طریق این شیخ نشین برانگیخته است. طمع ورزی و نقشه دیگران برای تغییر توازن قدرت در منطقه به دلیل موقعیت استراتژیک جزایر در ژئوپلیتیک خلیج فارس و امنیت راه های دریایی پوشیده نیست. حفظ جزایر از مصالح عالی و خدشه ناپذیر حاکمیت ملی ایران است. باید تدابیری تازه اندیشید و آن را اولویت ملی و همگانی دانست. این جزایر متعلق به تمام ایرانیان و تمام نسل های امروز و آتی است. منطق ایجاب می کند در حفاظت از تمامیت کشورمان، ظرفیت حداکثری ایرانیان به کار بسته شود و صرفا به وزارت خارجه یا قدرت نظامی کشور اکتفا و اتکاء نشود و احاد ملت در پیوند با موضوع قرار بگیرند. در یک سطح، نیازمند آسیب شناسی جامع و راهبردی در مسیری که اتخاذ شده، هستیم. فقر نخیکی و دوراندیشی و کارآمدی در سیاست خارجی موجب تضعیف موقعیت ایران خواهد شد. می توان از دانشمندان برجسته علوم و حقوق بین الملل کشورمان هر جا که هستند بدون هیچ گونه ملاحظه سیاسی دعوت نمود با بررسی روند های جاری، راهبرد مناسب و جامعی به حاکمیت ارائه دهند. باید اتاق فکری و به گستره و ارتفاع تمام اندیشه ایرانیان گشود. نباید گذاشت این موضوع بیش از این پیچیده شده و بیش از این دیگران به خود اجازه دهند درباره حریم ارضی ایران ورود کرده و متون سیاسی و بین المللی تولید کنند. در سطحی دیگر بهره مندی از ظرفیت (لابی) ایرانیان خارج از کشور است. ایرانیان وطن دوست و ذی نفوذ فراوانی در سراسر جهان هستند که افتخار دارند برای و جب به وجب سرزمینمان، هرچه دارند از ظرفیت علمی و سیاسی و حقوقی به میدان بیاورند. پای ایران در میان است. و وظیفه حاکمیت است که صرف نظر از تفاوت های سیاسی که ممکن است بسیار هم عمیق باشد، زمینه بهره مندی از نفوذ (لابی) ایرانیان و مشارکت حداکثری در صیانت از تمامیت میهن را تسهیل و تدبیر کند. در سطح دیگر باید به راهبرد های میدانی اندیشید. از جمله اقداماتی که می تواند در این مسیر و در پیوند عمیق تر ایرانیان با این بخش سرزمینی به کار بسته شود، امکان سرمایه گذاری ایرانیان خارج از کشور در جزایر سه گانه است. اگر طرح جامعی برای آبادانی این جزایر تدوین شود، می تواند هر ایرانی دایخا و یا خارج از کشور در کمال اشتیاق بخشی از این آبادانی را بر عهده خواهد گرفت تا با مشارکت او از مدرسه و جاده و پارک و هتل و امکانات گردشگری و شهری و بندری مدن گرفته تا پیشرفته ترین مراکز و قطب های علمی و صنعتی و تحقیقاتی و... تأسیس شود و به نوعی هر ایرانی در اقصی نقاط جهان با این جزایر پیوند خورده و خود را در صیانت از آن شریک بداند.

به علاوه، می توان جزایر را به عنوان منطقه ای شناساند تا ایرانیان سراسر جهان در این نقطه گرد هم آیند و با یکدیگر دیدار نموده و همچنین عمق شناختی بیشتری از این نقطه استراتژیک پیدا کنند. اما در سطح مهم تر، باید به خاطر داشته باشیم که سیاست خارجی آن روی سکه سیاست داخلی و تابعی از امنیت و توان ملی است. در سیاست و امنیت داخلی باید چنان راهبرد هایی داشته باشیم که از هرگونه شکافی جلوگیری کند. شکاف بین ارکان کشور ممکن است موجب امتیازطلبی قدرت ها و برخی همسایه ها شود. باید پذیرفت که تا کنون از ادراک اهمیت موضوع غافل بوده ایم. برخلاف امارات، گویی موضوع جزایر چنانکه باید در صدر نظام اولویت های سیاست خارجی ایران قرار نگرفته، و طبیعی است چنین مناقشه ای صرفا با تأکید بر این نکته که «جزایر سه گانه جزء جدایی ناپذیر کشورمان است» حل نمی شود. چنانکه چالش های دشوار و حل نشده دیگری چون آب هیرمند و تقسیم خنز و بزرگراه بین ارمستان و آذربایجان و میدان های مشترک نفتی در جنوب را نیز پیش روی می بینیم. قدرت سخت نیز همواره آخرین راه حل است و باید دیگر مولفه های بازدارنگی را در اولویت قرار داد و فعال نمود. زحمتی که امروز امارات برای ایران عزیز ما ایجاد نموده، محصول سی سال برنامه ریزی در سیاست داخلی و سیاست خارجی این کشور و غفلت ماست. باید، همین امروز تدابیر جامعی در اصلاح سیاست خارجی و داخلی کشور اندیشیده شود و مناقشات سرزمینی علیه کشورمان در رأس مصالح و اولویت همه سیاست گذاری ها قرار گیرد، تا آن شاء... در چند سال آتی، به تدریج آتشی که در حال شعله ور شدن است، فرو نشیند. نباید بگذاریم ایران در محاصره چنین مناقشاتی قرار گیرد و باید در تراز قدرت ملی و سرزمینی ایران عمل کنیم.

محمد رضا سبزعلی پور رئیس مرکز تجارت جهانی ایران در گفت و گو با «آرمان ملی»:

مقابله با کالاهای خارجی

به تعطیلی کار کسبه منجر شده است



باید در سیاست های مقابله با قاچاق کالا

تجدید نظر کرد

با خود تحریمی در زمینه واردات مواجه هستیم



«آرمان ملی»- احسان انصاری: دکتر محمد رضا سبزعلی پور رئیس مرکز تجارت جهانی ایران است. این در حالی است که در شرایط کنونی که دولت کار خود را آغاز کرده که صادرات و واردات کشور در زمینه های مختلف حائز اهمیت است. «آرمان ملی» برای تحلیل شرایط اقتصادی کشور و صادرات و واردات با دکتر سبزعلی پور گفت و گو کرده است. غلبیور معتقد است: «یکی از این تصمیمات و اقدامات نادرست که مدتی است در سطح کشور به اجرا درآمده و در این وضعیت نه چندان خوب کسب و کارها و رکود بازار، روزگار کسبه را سیاه

و اشک خیلی از مغازه داران را درآورده نحوه مبارزه با قاچاق کالا است. خیمه اقتصاد در تمامی کشورهای جهان از جمله ایران دارای دو ستون است. ستون واردات و ستون صادرات. چنانچه یکی از این ستون ها نباشد و یا درست بنا نشده باشد قطعاً خیمه ای هم برپا نخواهد شد. ستون صادرات بسیار مهم بوده اما موضوع مورد نظر بنده در خصوص آن ستون دیگر یعنی واردات است که همانند ستون صادرات، چنان بنا شده که خیمه اقتصاد ایران را با مشکلات متعدد مواجه کرده است.» در ادامه ما حاصل این گفت و گو را می خوانید.

برای واردات مواد اولیه و قطعات، غالب شرکت ها و کارخانجات به ویژه شرکت های تولیدی خصوصی بر سر تأمین ارز از طرف بانک مرکزی مشکل دارند و بعضاً تأمین ارز صورت نمی گیرد و وارداتی هم انجام نمی شود

ضمن اینکه باید به این اندیشید که اگر کالایی در کشور تولید نمی شود، چه جایگزینی وجود خواهد داشت؟ آیا می توان اساساً از آن کالا صرف نظر کرد؟ در صورتی که صرف نظر کردن امکان نداشته باشد، مسئولان باید برای مردم راه حل ارائه دهند. تمام مسئولان کشور به خوبی می دانند که اگر تصمیم های غیر اصولی و غیر کارشناسی بگیرند، به سرعت مورد توجه افکار عمومی قرار خواهند گرفت. از سوی دیگر باید توجه کرد که ورود کالاهای مصرفی ساخت کشورهای دیگر موجب ایجاد رقابت بین صنایع داخلی و خارجی می شود و سبب می گردد تا کالاهای مصرفی تولید داخل، هم از نظر کیفیت و هم از نظر بسته بندی رشد کرده و از نظر قیمتی نیز قابل رقابت باشند. در ضمن ارتقاء سطح کیفی و بسته بندی کالاهای مصرفی ساخت داخل موجب رشد صادرات ایران نیز خواهد شد.

در سال های اخیر این اتفاق رخ نداده و کالاهای خارجی نتوانستند در داخل کشور رقابت ایجاد کنند. این در حالی است که کالاهای خارجی نیز اغلب از مسیرهای غیرقانونی وارد کشور می شود. در چنین شرایطی چه سیاست هایی باید در پیش گرفته شود؟

از هر منطقی که بنگریم واردات کالا موجب افزایش تولید و صادرات باعث ارتقاء سطح کیفی کالاهای تولیدی و بسته بندی خواهد شد، اما به شرط اینکه واردات فقط به طور قانونی صورت گیرد نه از مجاری و مبادی غیرقانونی و به شکل قاچاق. واردات به ایران طی سال های اخیر آن هم به دلیل اعمال تحریم های بین المللی کارساده ای نبوده، اما فعالان اقتصادی قانونمند و خوشنام کشور، در این سال ها با سختی و مشقت نتوانستند کالاهای مورد نیاز ایران را از اقصی نقاط جهان تهیه و با مشکلات بانکی و حمل و نقل، ارز لازم را جابه جا و بپردازد تا به انجام دهند و کالاهای مورد نیاز را به کشور حمل کنند. باید توجه داشت که در کنار همه مشکلاتی که تحریم های ظالمانه ایجاد کرده، دیگر نمی توان با ایجاد موانع غیر اصولی در برابر فعالان اقتصادی، کار واردات و صادرات را سخت تر کرد. جدای از تحریم های بین المللی که مانع بزرگی در برابر فعالان اقتصادی و واردکنندگان ایجاد کرده، در مواردی در چهار خودتحریمی هم در برابر واردات شده ایم.

خودتحریمی در چه زمینه ای بوده است؟

شرایط به شکلی است که برای واردات مواد اولیه و قطعات، غالب شرکت ها و کارخانجات به ویژه شرکت های تولیدی خصوصی بر سر تأمین ارز از طرف بانک مرکزی مشکل دارند و بعضاً تأمین ارز صورت نمی گیرد و وارداتی هم انجام نمی شود. در خصوص کالاهای لوکس و مصرفی هم واردات اغلب این کالاها به طور قانونی ممنوع است و هیچ

دوشنبه
۳۰، ۰۷، ۱۴۰۳
۱۷ ربیع الثانی ۱۴۴۴/۲۱ اکتبر ۲۰۲۴

سال پنجم
شماره ۱۹۵۰

armanmeli.ir

تلنگر

راه رفتن بر لبه تیغ بین واشنگتن
تل آویو و تهران؛

خلیج فارس آماده بدترین سناریومی شود؟

زمانی که یک سال پیش از این، جنگ غزه آغاز شد، سؤال بزرگی پیش روی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس قرار گرفت: آیا آنها به ایالات متحده و به تبع آن، اسرائیل در مقابله با ایران (متحد حماس، حزب... و دیگر گروه های مقاومت ضد اسرائیلی) نزدیک خواهند شد؟ یا اینکه مسیری دیگر را دنبال خواهند کرد که تدریجاً از دیدگاه ایالات متحده و اسرائیل در مورد نظم جدید خاورمیانه ای فاصله می گیرد؟ به رغم اینکه واشنگتن وتل آویواغلب شرکات های خود با خلیج فارس را موفقیت آمیز می خوانند، واقعیت پیچیده تر از آن است. از سال ۲۰۲۱ و به ویژه بعد از توافق آشتی در مارس ۲۰۲۳ بین ایران و عربستان سعودی، کشورهای خلیج فارس به طور فزاینده ای دیپلماسی را به جای مواجهه، تعامل را به جای انزوا و گفت و گوهای منطقه ای را به جای تشدید نظامی در اولویت قرار داده اند. این تغییری عمده از زمان دولت دونالد ترامپ به شمار می رود؛ زمانی که عربستان سعودی، بحرین و امارات متحده عربی به طور علنی از کمپین «فشار حداکثری» ایالات متحده علیه ایران حمایت می کردند و امیدوار بودند که از طریق تضمین های امنیتی ایالات متحده و اسرائیل نفوذ تهران را محدود کنند. این رویکرد بعد از خروج ترامپ در سال ۲۰۲۱ از توافق هسته ای ۲۰۱۵ ایران و افزایش تنش های نظامی در دوره ۲۰۱۸-۲۰۲۰ تغییر کرد. عربستان سعودی و امارات با حملات مستقیم به زیرساخت های انرژی خود از سوی گروه های مقاومت متحد ایران مواجه شدند.

غلبه مذاکره بر خصومت

امروزه تنش شش عضو خلیج فارس در حال انجام گفت و گوهای مستقیم و چند جانبه با تهران هستند. در آخرین نمونه، سید عباس عراقچی، وزیر خارجه ایران در ۹ اکتبر به ریاض رفت و با محمد بن سلمان، ولیعهد سعودی دیدار کرد و سپس سفرش را به دوحه قطر ادامه داد. این تعاملات دیپلماتیک در جلوگیری از گسترش درگیری غزه به یک جنگ منطقه ای شدیدتر و وسیع تر حیاتیه بوده است. کشورهای خلیج فارس درک می کنند که برنامه های توسعه ملی بلندپروازانه آن هانی توانند در منطقه ای که درگیر کشمکش های مداوم، به ویژه وقتی ایران در آن حضور موثری دارد، موفق باشد. عملیات دیپلماتیک بین ایران و خلیج فارس به طور مستمر گسترش یافته است. به عنوان مثال، زمانی که مسعود پزشکیان بعد از پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری ژوئن، جایگزین رئیس شد، این تحرکات دیپلماتیک ادامه یافت. رهبران خلیج فارس پیروزی او را تبریک گفتند و هیات های عالی رتبه ای به مراسم تحلیفش فرستادند. وقتی که عراقچی وزیر خارجه جدید ایران شد، همتایان او در خلیج فارس سریعاً با او تماس گرفته و در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل در نیویورک، با او دیدار کردند. زمانی که وزرای خارجه خلیج فارس در حاشیه دیدارهای ۳ اکتبر قطر، نشست مشترک غیررسمی باهمتای ایرانی خود برگزار کردند که اولین از نوع خود بود، تعاملات آن ها شکل چند جانبه ای به خود گرفت. این بحث هائلامی جمعی برای مدیریت تنش های فزاینده بین ایران و اسرائیل بود و کشورهای خلیج فارس به تهران از بی طرفی شان در این درگیری اطمینان دادند. آن ها همچنین به نگرانی های ایران درباره همکاری های دفاع هوایی ایالات متحده-اسرائیل-خلیج فارس استفاده دشمنی تهران از فضای هوایی کشورهای عربی را برای حمله موشکی به ایران و پرداختن. برای کشورهای خلیج فارس، سال گذشته نشان داده که منافع آن ها احتمالاً به نفع اسرائیل نادیده گرفته خواهد شد. ناتوانی واشنگتن تا کنون در پایان دادن به جنگ فزاینده غزه و لبنان این دیدگاه را تقویت کرده است. در نتیجه، آن ها بر استراتژی های کاهش تنش و دیپلماسی منطقه ای خود تأکید بیشتری کرده اند.

بدترین سناریو و نوشاروری عربی

مواجهه نظامی تمام عیار ایران و اسرائیل بدترین سناریوی ممکن برای خلیج فارس به شمار می رود. چنین درگیری می تواند پیامدهای ویرانگری برای زیرساخت های انرژی منطقه که سرعین اقتصادی کشورهای خلیج فارس است، داشته باشد. حملات موشکی و پهپادی در سال ۲۰۱۹ حوثی ها به تأسیسات نفتی سعودی و زیرساخت های امارات یادآوری صریحی از این آسیب پذیری ها بود. حتی اگر کشورهای خلیج فارس مستقیماً هدف قرار نگیرند، اثرات ناخواسته یک درگیری گسترده می تواند بازاری های انرژی را مختل، اقتصاد جهانی را بی ثبات و اهداف بلندمدت توسعه منطقه را به خطر بیندازد. حملات موشکی و پهپادی ماه آوریل و اکتبر ایران به اسرائیل نگرانی هادر خلیج فارس را تشدید کرده است. مدت هاست که برنامه موشکی بالستیک ایران منبع نگرانی کشورهای خلیج فارس بوده و حملات اخیر این ترس ها را افزایش داده است. امارات متحده عربی و عربستان سعودی به برنامه های هسته ای در حال توسعه خود، وضعیت را زیر نظر دارند و جامعه بین المللی از خطر واقعی اشاعه هسته ای در منطقه ای آگاه است. ملاقات دیپلماتیک اخیر در دوحه بین مقامات خلیج فارس و ایران تلاش واضحی برای جلوگیری از اوج گیری اوضاع بود.

خواهد بود. در واقع پزشکیان اکنون در دو راهی مجلس و مردم مانده است. اینکه آقای رئیس جمهور چه تصمیمی در این رابطه می گیرند طرف یکی، دو هفته آینده مشخص خواهد شد، اما از باب یادآوری باید چند نکته را خدمت ایشان بگویم. اولین و مهم ترین مساله این است که در شرایط حساس و شبه جنگی کنونی حفظ انسجامی ملی و کاهش شکاف بین مردم و مسئولان از اهمیت بالایی برخوردار است. روابط دولت و مجلس بنا به ضرورت و در شرایط حساس قابل ترمیم خواهد بود، اما ناراضی های اجتماعی و شکاف بین ملت و حاکمیت به این سادگی قابل جبران نیست. نکته دوم اینکه دولت محترم بعد از عدم ابلاغ این قانون می توان لایحه جایگزینی به مجلس بفرستد که هم کمتر مورد نقد جامعه باشد و هم خیال نمایندگان از غوغا غنه در باب موضوع عفاف و حجاب راحت کند، این اقدام احتمالاً در رفع دلخوری مجلس هم می تواند اثرگذار باشد.

طبق اعلام دیروز سخنگوی شورای نگهبان، این شورا لایحه عفاف و حجاب را تأیید کرده و پیروسه تبدیل شدن آن به قانون کلید خورده است. طبق قانون هم مجلس باید قانون مورد اشاره را برای رئیس جمهور بفرستد و با ابلاغ رئیس جمهور یعنی آقای پزشکیان، این قانون اجرایی خواهد شد.

به این ترتیب اکنون توپ در زمین دولت است و انتظار می رود مسعود پزشکیان برای تحقق یکی از ساده ترین وعده های انتخاباتی خود گام جدی و مشهود بردارد. مشخصاً اینکه رئیس جمهور می تواند که قانون مصوب مجلس را ابلاغ نکند. سوال اینجا است که در صورت این اقدام احتمالی دولت، چه خواهد شد و تکلیف قانون مورد بحث چه می شود؟ بدهی است که این تصمیم برای مسعود پزشکیان و دولت چهاردهم سخت خواهد بود، زیرا روابط او و مجلس را تحت تأثیر قرار می دهد. اما ابلاغ این قانون و همراهی با مجلس انقلابی دوازده هم نیز به بهای از دست رفتن سرمایه اجتماعی

رئیس جمهور

قانون حجاب را

ابلاغ می کند یا

پای وعده هایش

می ماند؟